



۲۰۱۷/۰۵/۱۱



حمید انوری

"از آن گرگی که می پوشد لباس می ترسم"



ندارم وحشی از یوز و ببر و حمله شیران
از آن گرگی که می پوشد لباس می ترسم

منظور از این گرگ، همان گرگ است که حتی با آدمی هم بزرگ نشده است، این گرگ وحشی و خونریز است، این گرگ خلاف همه گرگان وحشی، هرگز از خوردن آدمی سیر نمی شود. منظور از این گرگ هار، گرگ درون نیست، بلکه گرگ بیرون است، گرگی که با چشمان از حدقه برآمده و دهان و چنگال خونین همیشه در حالت حمله قرار دارد و منتظر کوچکترین فرصت است تا آدمی زاده را بدرد، تکه و پاره کند و بعد بلعد. این گرگ از دیدن خون آدمی لذت میبرد و با آن خو گرفته است.

و اما این گرگ را با گرگان درنده دیگر یک تفاوت است، گرگان وحشی صرف زمانی شکارشان را می درند و می بلعند که گرسنه باشند، اما گرگ وحشی مورد نظر ما جهت تفنن و خودنمایی و نشان دادن قدرت، پیوسته می درد و می بلعد و هرگز هم سیر نمی شود که نمی شود. خون ریزی و خونخواری عادت به مرگ اوست.

این گرگ درنده یکی از مخلوقات "سیا" است، همان "سیا" که در هر گوشه و کنار جهان؛ راسته را چپه میکند و چپه را راسته، سیه را سپید جلوه میدهد و سپید را سیه، همان "سیا" که در حقیقت خالق این گرگ درنده و این هیولای هفت دهن، هشت دست، چهار پا و یک دم است و باز هم خواب های وحشتناکی برای میهن در خون



تپیده ما دیده است. اصلاً این "سیا" لعنتی وظیفه اش همین است تا در هر نقطه دنیا هیولا بسازد و نسل بشر را تکه و پاره کند و از آب گل آلود کرده خود ماهی مطلوب صید کند.

به تازه ترین عکس این گرگ هار دقت کنید و شرح آنرا از "صوفی کرینکار" و "یوسف سرخه" جویا شوید، اگر تا هنوز زنده باشند.

و اما آنچه لازم و ضرور است به تکرار گفته و نوشته و تذکر داده شود، این نکته اساسی است که از یک گرگ باران دیده و درنده ترسی در کار نیست؛ گرگ، گرگ است و همه میدانند که درنده است و آماده حمله، پس آنانی که با گرگ مقابل می شوند، آماده دفاع از خود اند.

و اما و مگر آنگاه که این گرگ در لباس میش ظاهر می شود، باید از او ترسید، زیرا این گرگ که در لباس میش ظاهر گردیده است، درست زمانی حمله خواهد کرد که هرگز انتظار آنرا نداریم.

من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم
تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال

